

بپذیریم مهربانانه برتری دیگران را

روابط رئیس و مرئوس در آن جا حاکم می‌باشد. اگر با خوشبینانه‌ترین شکل ممکن هم نگریسته شود، از محالات غیرمعقول است که ببینیم تمام بالادست‌های دستوردهنده، از زیردست‌های دستورگیرنده، شایسته‌تر و لایق‌تر باشند. به هر حال، بنا به هر شرایطی، هستند رئیس و مدیرانی که کوچک‌ترین برتری علمی و عملی بر زیردست خود ندارند اما عوامل و اتفاقات بر این مدار است که نالایق، رئیس باشد و لایق، مرئوس. این، روی بدبینانه‌ی سکه است اما در غالب موارد، این رابطه مبتنی بر چهارچوبی به‌طور کامل مدون و استوار بر مسیر قانون و قانونمندی می‌باشد؛ حال چه این برتری براساس استثناء بدبینانه‌ی ما استوار باشد چه براساس شایسته‌مداری، آن که در هر مرتبه‌ای، مرئوس قرار می‌گیرد، چه رفتاری را باید پیشه‌ی خود سازد تا هم در محیطی سرشار از شادی و طراوت، به کارهای محوله بپردازد و هم روزبه‌روز بر لیاقت و شایستگی خود افزوده و مدارج برتری و موفقیت را با سرعت هرچه تمام‌تر با رعایت تمامی اصول و قوانین پذیرفتنی موجود، ببیند؟
فرمولی بسیار ساده در عین حال کارآمد وجود دارد و آن، این‌که:
«مهربانانه برتری دیگران را بپذیریم.»

اجتماعی‌ترین و پذیرا‌ترین مجموعه‌ی خلقت، وقتی قرار باشد با هم و برای هم، دست در دست هم، در تلاشی زیبا و پایدار، راه تعالی و برتری‌جویی را طی طریق نمایند و حال را زیبا و آینده را امیدوارانه، شاد و روشن پی‌ریزی نمایند، می‌پذیرند تا در فرآیندی منظم، قانونمند و تابع معقولات علمی و عملی با توجه به توانایی‌های ذاتی، علمی و شرایط حاکم بر جوامع بشری، برخی بر برخی، در محیط کار، تحصیل و... خواسته یا ناخواسته، بسته به نوع و درجه‌ی اهمیت مورد بحث، برتری داشته باشند و به عبارت ساده‌تر، جمعی اندک بر جمعی فراوان، حکمرانی نموده و استیلای معنوی و عملی، حال دلخواه و شایسته و یا بی‌جا و برخلاف خواست و پذیرش دیگران، داشته باشند.

یک مجموعه‌ی مدیریتی با هر نوع فرآیند علمی یا عملی، به‌ناچار تابع تقسیم‌بندی براساس تفکرات حاکم بر آن مجموعه می‌باشد یعنی در چهارچوبی معین، مدون و خط‌کشی‌شده، حال سخت‌گیرانه یا ساده‌انگارانه، در حرکت و تلاش می‌باشد و جز این نیز نباید باشد و کسی هم منکر این اصول و قواعد نبوده و نیست.
بحث بر نوع برخورد با سازمان‌ها و مجامعی است که در هر حالت،



کلیدیم
یلگانه راه برای افزودن خوشبختی بر روی زمین، آن است که تقسیمش کنیم. «شر»

دست‌های گرم رابطه

گل عشق واقعی، زمانی در من
می‌شکند

که تو را برای آنچه که هستی، دوست
بدارم

نه برای آنچه که به من داده‌ای.

وقتی تو را انکار می‌کنم،
درواقع

خودم را محروم می‌کنم از عشقی
که به آن نیاز دارم.

از تو همان چیزی را می‌گیرم
که در تو می‌بینم.

اگر نگاهم را عوض کنم،
چیزهای پیش‌تر و بهتری

از تو خواهم گرفت.

آری،

من و تو به لحاظ صورت با هم فرق
داریم.

اما فراموش نکنیم که هر دوی ما،
قطره‌هایی هستیم

که از دریای خدا برخورداریم
و در برابر این دریا یکسان‌ایم.



علی برزگر

وقت، روحیه و درون خود را معطوف نمودن به اندیشیدن بر این باور که «چرا من باید این‌جا باشم و دیگری آن‌جا»، یا این‌که «چون فرد بالادست من به نظر من، حق نشستن بر این جایگاهی که فعلاً نشسته را ندارد، پس من چنین می‌کنم و چنان نمی‌کنم»، یعنی اتلاف وقت، انرژی، قدرت تفکر و خلاقیت و هزار آفت و مشکل دیگر.

منظور این نیست که سر در لاک خویش فروبرده و با سکوت خود، باعث توقف رفتاری و عملی شده و به تمام دروازه‌های موفقیت پشت‌کنیم، بلکه باید ابتدا، قدرت پذیرش خود را در مواجهه با برتر از خود، بدون توجه به این‌که لایق است یا نه، به سرحد تحمل و توان رسانده و در سایه‌ی این حس که من کار محوله را به بهترین شکل، انجام داده و سعی می‌کنم در مجموعه‌ی فعلی، بهترین باشم، کم‌کم مسیر میان‌بر برای پیمودن جاده‌ی ترقی و پیروزی را بر خود آشکار و هموار سازیم.

پذیرفتن وضعیت موجود، یعنی استحکام‌بخشیدن مواضع فعلی برای نیل به اهداف و مواضع عالی در فرصت‌های پیش رو در کمال شادی و آرامش. قبول کنیم که به‌دست آوردن مطلوب‌های ذهنی در یک جو مسموم و استرس‌آور، توأم با ناراحتی‌های روحی- روانی، به هیچ‌وجه ممکن، روح و روان انحصارطلب و خودخواه هیچ بی‌منطقی را هم آرام و راضی نخواهد کرد چه رسد به این‌که فرد موردنظر، در محیطی به‌طور کامل اصولی و مبتنی بر آراء و عقاید همه‌پذیر و معقول، رشد و تعالی نموده باشد. مطلوب‌تر این است تا در یک محیط به‌طور کامل آرام در کنار شادی و رضایت کامل از ذات عمل، نوع انجام عمل و نیز فرآیند و نتیجه‌ی حاصله، به اهداف از پیش تعیین‌شده‌ی خود دسترسی پیدا نماییم.

با توجه به مطالب بیان شده، وقتی برتری دیگران را مهربانانه بپذیرا باشیم، با نهایت دلگرمی و تلاشی که در سایه‌ی این دلگرمی خودساخته انجام می‌دهیم، هم بهتر امور محوله را انجام می‌دهیم و هم ذهن خود را اسیر سیاهی‌های بی‌ثمر ننموده و می‌توانیم بیندیشیم، برنامه‌ریزی کنیم و براساس این اندیشه و برنامه‌ریزی، خود را در مسیر ترقی و تجلی درونیات کاملاً شایسته و محق خود قراردهیم و دیگران را که برای من چنین تصمیمی گرفته‌اند، مجاب نماییم که جایگاهی والاتر برای صاحب این اندیشه‌ی شاد و فکور در نظر بگیرند.

حال که قرار است پیشرفت کرده و مدارج ترقی را طی کنیم، چرا نگاه‌مان را تنها و تنها معطوف به پله یا پله‌های بعدی نماییم؟ با اعتمادبه‌نفس و قدرت درونی خارق‌العاده‌ای که خود می‌تواند حاصل آرامش و نیک‌اندیشی درونی باشد، بالا‌های بالاتر را در نظر گرفته و با تلاشی درخور، در سایه‌ی اندیشه‌های آرام و متین، درون خود را آماده‌ی پذیرش پیروزی‌های چشم‌گیر و درخور نماییم.

پس برای رسیدن به اهداف بلندمرتبه و عالی، آرامش و آسایش درونی، به‌کارگیری ذهن خلاق و مبتکر و نیز برای رسیدن به مدارج بالای تلاش و ترقی بهتر است:

«مهربانانه برتری دیگران را بپذیریم.»

رضابردستانی
Rezabardestani50@gmail.com